



کنفرانس سازمان آزادی زن مجمع آزادیخواهی و برابری طلبی

مصاحبه با آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن

آزادی زن و گرد آوردن آن تحت یک پرچم رادیکال و آزادیخواهانه است که به کم رضایت نمیدهد، از حق خود نمیگذرد و برای حقوق خود قاطعانه مبارزه میکند. سازمان آزادی زن طی این دوره پیشرفت بسیاری کرده است و جای خود را در میان جنبش آزادی زن باز کرده است. ولی هنوز راه بسیاری را باید بپیماید. ما در این کنفرانس پلاتفرمی را تلاش خواهیم کرد به تصویب برسانیم تا بسیاری از کمبود های تکنونی سازمان را پوششیم. من همینجا از تمامی علاقمندان و فعالین جنبش آزادی زن دعوت میکنم که به سازمان آزادی زن بپیوندند.

وسیع و گسترده است و در عمق جامعه نفوذ کرده است. به همین خاطر است که گنجی پاسدار ژورنالیست، که از پایه گذاران سپاه سرکوب اسلامی است، کسی که از افتخاراتش الصاق حجاب با پونز به سر زنان است، زمانی که به خارج میاید تا پروژه آترناتیو خود را به مزایده بگذارد، مجبور میشود علیه آپارتاید جنسی اعلام موضع کند و این یک سند آشکار از قدرت جنبش آزادی زن است. سازمان آزادی زن متعلق به این جنبش و گردان بین المللی جنبش برابری طلبی بین المللی است. فعالین و رهبری آن از پیشتازان جنبش برای آزادی زن هستند. تلاش این سازمان، جنبش

با خصلتی ضد مذهبی و افراطی است. **آزادی زن:** جایگاه سازمان آزادی زن چیست؟ **آذر ماجدی:** جنبش آزادی زن یکی از مهمترین ارکان جنبش برای آزادی و برابری در ایران است. اهمیت حیاتی این جنبش برهیچکس پوشیده نیست. حتی جمهوری اسلامی نیز بر جایگاه رفیع این جنبش آگاه و از آن در هراس است. اعلام جنگ های هر روزه به زنان برای رعایت مقررات اسلامی، حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی از همین رو است. تربیت ارتش ویژه برای مقابله با زنان نیز تلاشی برای خاموش کردن صدایی است که هر روز رسا تر میشود. این جنبش

زن را سازمان دهد و فعالین آن را متشکل کند. هدف اصلی ما مبارزه برای کسب آزادی بی قید و شرط زن و برابری کامل زن و مرد است. این مبارزه ای اجتماعی و سیاسی است و وجوه مختلفی را در برمیگیرد. مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی یک وجه مهم فعالیت ما را تشکیل میدهد. حجاب و آپارتاید جنسی دو رکن اساسی نظام اسلامی و پرچم سیاسی جنبش اسلامی است. لذا مبارزه علیه آن جایگاه بسیار مهمی در مبارزه برای آزادی و برابری داراست.

آزادی زن: ویژگی سازمان آزادی زن برای نسل جوان چیست؟

آذر ماجدی: ابتدا باید توصیفی از نسل جوان ارائه داد. آنچه در جامعه ایران کاملا مشهود است شکاف میان نسل هاست. معمولا در همه جوامع نسل های مختلف در سلیق شان و روش زندگی شان متفاوتند. ولی در ایران این اختلاف بسیار عمیق است. نسل جوان ایران عمدتا مدرن است و گرایش ضد مذهبی در این نسل بسیار قوی است. فعالین رادیکال جنبش آزادی زن عمدتا متعلق به نسل جوان است. شجاعت و مبارزه جویی، ایستادگی و مقاومت از خصلت های برجسته این نسل است به این معنا سازمان آزادی زن مکان مناسبی برای این نسل است. سازمان آزادی زن سازمانی مدرن، رادیکال

آزادی زن: سومین کنفرانس سالیانه سازمان آزادی زن در پیش است، جایگاه و اهمیت آن چیست؟

آذر ماجدی: سازمان آزادی زن سومین کنفرانس سالیانه خود را برگزار میکند. این مجمع است که در آن فعالین جنبش آزادی زن گرد میایند تا مسائل و معضلات پیشروی جنبش آزادی زن را مورد بحث و بررسی قرار دهند و برای پیشروی این جنبش راه یابی کنند. نقشه و برنامه فعالیت یک سال آتی سازمان را که به بخش لاینفک جنبش آزادی زن بدل شده است تبیین و تعیین کنند. در این مجمع دو نسل از فعالین جنبش آزادی زن گرد میایند، از چهره های پیشتاز این جنبش که سابقه طولانی در مبارزه برای کسب حقوق زنان دارند تا نسل جوانی که به سرکوب خشن جمهوری اسلامی چشم گشوده است و بطور روزمره در مقابل زن ستیزی این نظام ایستادگی کرده است. نقش اصلی کنفرانس تعیین افق مبارزه و سیاست های معین فعالیت در عرصه های مختلف از تبلیغات تا سازماندهی است. این مجمع آزادی خواهی و برابری طلبی است.

آزادی زن: اکنون نزدیک به چهار سال از تشکیل سازمان آزادی زن میگذرد، جا دارد یکبار دیگر مروری بر اهداف سازمان بکنیم.

آذر ماجدی: سازمان آزادی زن با این هدف تشکیل شده است که در مبارزه برای آزادی و برابری زنان، بخش موثری از جنبش آزادی

اسلامی با پروژه " فتوای قتل سلمان رشدی " افکار عمومی مردم آزادیخواه جهان رامشغول کرد تا هزاران انسان آزادیخواه را تحت نام "ارتداد" و " محارب با خدا" در خود ایران اعدام کند، بدون آنکه جهانیان از این جنایت آگاه شوند. بدون اینکه امکان اعتراض به این جنایت را پیدا کنند، بعد از گذشت نزدیک به دو دهه و حضور هر ساله مردم آزادیخواه در کنار خانواده های زجر کشیده، جمهوری اسلامی در سال گذشته تلاش کرد تا آثار این جنایت را ناپدید کند. اعتراضات مردمی



گلهای سرخ باغچه را به خاوران می بریم!

به مناسبت سالگرد قتل عام زندانیان ۶۰ و ۶۷ و گرمیاد عزیزانمان همراه خانواده ها و نزدیکان جانباختگان و قربانیان رژیم اسلامی به گورستان خاوران میرویم! درتابستان سال ۱۳۶۷ هزاران تن از زندانیان سیاسی پس از یک محاکمه چند دقیقه ای در اکثر زندانهای ایران توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اعدام شدند. جسد این عزیزان در گورهای دسته جمعی چال شد تا خانواده های آنها حتی نتوانند از محل دفن فرزندان شان با خبر

شوند. جمهوری اسلامی از تمامی امکانات خود استفاده کرد تا فرزندان این عزیزان برای پدرها و مادرهایشان شعری نسرایند. تا مادران و پدران بر گور دسته جمعی فرزندان شان گل نکارند. تا خواهران و برادران آنها دست از مبارزه بکشند. تا جهانیان از آشوبتس دیگر با خبر نگردند! جمهوری



پروین کابلی: شما

قبلا اشاره کردید که چاره‌ای جز ورود به عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ندارید. منظورتان این است که علیه جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنید؟ چگونه؟

شاهرخ رئیسی: اول از همه یک نکته را قبل از پاسخگویی به سوال شما ذکر کنم. فعالیت‌های سازمان ما، به هیچ وجه صرفا به ایرانیان داخل کشور محدود نمی‌شود و ما از تمامی ایرانیان اقلیت جنسی که در سراسر جهان پراکنده شده اند حمایت می‌کنیم. یکی از این موارد، حمایت از آنان برای گرفتن اجازه اقامت و اثبات حقانیتشان به عنوان یک اقلیت جنسی، در دادگاه پناهندگی است. اما شاید بتوان گفت که سنجر اصلی مبارزه ما، داخل ایران است.

در داخل ایران بنا به تخمینهایی که می‌زنند در حدود ۵ درصد افراد اجتماع همجنس گرا، ۱۰ درصد دوجنس گرا و ۲ درصد دگرجنس گونه (Transgender) هستند. یعنی اگر جمعیت ایران ۷۰ میلیون باشد، بیش از ۱۱ میلیون نفر اقلیت جنسی در ایران وجود دارد. همجنس گرایان داخل کشور حداقل ۳,۵ میلیون نفر هستند، دوجنس گرایان در حدود ۷ میلیون و دگرجنس گونگان در حدود ۱,۵ میلیون نفر. این آمار درصدی است که بر اساس جدیدترین تحقیقات علمی در جهان مشخص گردیده است (۵ درصد همجنس گرا، ۱۰ درصد دوجنس گرا و ۲ درصد دگرجنس گونه). بنابراین برای فهمیدن اینکه مسئله اقلیتهای جنسی چه ابعدی دارد نیاز چندانی به محاسبات پیچیده وجود ندارد و با یک ماشین حساب و چند

این گفتگو به دلیل مفصل و طولانی بودن آن در چند شماره متوالی به استحضار خوانندگان عزیز خواهد رسید.

گفتگوی پروین کابلی با شاهرخ رئیسی در مورد همجنسگرایان ایرانی سازمانیابی و فعالیتهای آنها (۲)



زنان، یک جنبش بسیار جوان است که سابقه آن به ۲۵ سال نمی‌رسد. همجنس گرایان ایرانی و بخصوص فعالان نسل بعد از انقلاب، متأسفانه یاس و سرخوردگی عجیب و انفعال خاصی پیدا کرده اند. نسل امروز ایران به شدت سیاست زده و از هر فعالیت اجتماعی و سیاسی گریزان است. این خصوصیات در بین اقلیتهای جنسی، به این دلیل که همیشه (چند هزار سال) تحت سرکوب و فشار بوده اند بیشتر دیده می‌شود. اکنون جنبش همجنس گرایان ایرانی، که سازمان ما زیر مجموعه این جنبش می‌باشد، دارد کم کم به ضرورت فعالیت سیاسی واقف می‌شود. ما یک جنبش جوان هستیم و بسیار لازم است تا با اندیشیدن و دیالوگ بین خودمان و استفاده از خرد جمعی به راه کارهای مشخصی برای رسیدن به اهداف خواسته‌هایمان برسیم. برخی از این راه کارها باید در عرصه کار و فعالیت سیاسی ما باشد. جنبش همجنس گرایان ایرانی به اعتقاد من هنوز به راه کارهای مشخص سیاسی نرسیده است. ما از شماره بعدی نشریه "چراغ" می‌خواهیم ستونی را به این موضوع مهم اختصاص دهیم و از صاحب نظران و فعالان سیاسی و اجتماعی دعوت کنیم که در این گفتمان شرکت کنند. من خودم راه کارهایی برای فعالیت در عرصه مبارزه سیاسی دارم که مطرح خواهم کرد. این راه کارها از این قرارند:

۱- حمایت و پیوستن جنبش همجنس گرایان و فعالان جنبش ما به دیگر جنبشهای مدنی در ایران برای رسیدن سریعتر به اهداف مشترک

در دوران قرون وسطی و حاکمیت کلیسا در غرب می‌شناسیم. اکنون که رژیم ایران ما را از داشتن حداقل حقوق انسانیمان محروم کرده و راه را بر برقراری هرگونه دیالوگ بسته است، ما چاره‌ای جز وارد شدن به عرصه فعالیت سیاسی بر علیه رژیم ایران نداریم. البته لازم است بگویم که فعالیت سیاسی قسمتی از فعالیت سازمان ما است و ما فعالیتهای دیگری نیز مانند فعالیتهای حقمقی و فرهنگی داریم. ما با وجود اینکه یک سازمان حقوق بشری هستیم، اما در این شرایط مجبور به فعالیت سیاسی بر علیه رژیم ایران هستیم. اینرا خدمتتان عرض کنم که سیاست و عرصه فعالیت سیاسی برای یک وسیله است و هدف ما دفاع از حقوق اقلیتهای جنسی می‌باشد. ما یک سازمان سیاسی به آن معنی که برنامه‌های سیاسی مشخصی برای رسیدن به قدرت و اداره حکومت داشته باشیم، نیستیم. اما در راه دفاع از حقوق اقلیتهای جنسی، چاره‌ای جز ورود به عرصه فعالیتهای سیاسی نداریم. کلیه سازمانهای معتبر دفاع از حقوق همجنس گرایان، حتی در کشورهای غربی، مشخصا به هدف تاثیر گذاشتن در قوانین کشورشان فعالیت منظم سیاسی دارند. گمان نمی‌کنم که کسی بتواند ادعا کند که فعال حقوق همجنس گرایان ایرانی است، اما هیچ فعالیت سیاسی (به همان معنی که گفتم) ندارد. جنبش همجنس گرایان ایرانی، در مقایسه با مثلا جنبش کارگری یا جنبش

به اطلاع رسانی علمی بپردازند. ماهیت و ساختار رژیم ایران نشان داده است که در خود پتانسیل رسیدن به این تغییرات را نیز ندارد. البته این نظر شخصی من است. لازم است بگویم که صحتهایی که من در اینجا می‌گویم نظرات من و تا حد زیادی هم مواضع سازمان ما است. به نظر شخص من و نیز سازمان ما، رژیم حاکم بر ایران نشان داده است که توان و پتانسیل برقراری دیالوگ سالم با اقلیتهای جنسی را ندارد. یکی از مهمترین دلایل آن شاید مربوط به مذهبی بودن ساختار این رژیم می‌باشد. زمانی که مذهب از حد خیرم فردی و خصوصی زندگی افراد وارد عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شد، نشان داد که می‌تواند منجر به ایجاد مخوفترین دیکتاتورپها بشود. هم اکنون یک نمونه اسلامی‌اش را در ایران شاهدیم و نمونه‌های مسیحی‌اش را

عمل ساده ریاضی می‌توان به تعداد تقریبی اقلیتهای جنسی را در ایران حساب کرد. این ۱۱ میلیون نفر در اجتماعی به شدت مردسالار و هموفوبیک بسر می‌برند. در نظام دگرجنس گرایان اجباری که در ایران وجود دارد و با توجه به اینکه این انسانها از حداقل حقوق انسانی خود محروم هستند، تعجبی نیست اگرکه آمار خودکشی و بیماریهای روانی در بین اقلیتهای جنسی در ایران بالا باشد. ما برای آگاهی دادن به این افراد، نیازمند آزادی بیان هستیم. ما حق داشتن نشریه نداریم. در فضای ایران به دلیل سانسور رژیم نمی‌توان اطلاعات صحیح علمی به مردم رساند. از طرفی ما خواستار لغو کلیه قوانین مجازات، بر علیه همجنس گرایان و همچنین ایجاد قوانینی جهت حمایت و دفاع از حقوق شهروندی آنان هستیم.

اگر فضای کشور ما فضایی بود که در آن امکان اطلاع رسانی و برقراری دیالوگ با قانون گزاران و کارگزاران رژیم وجود داشت، ما مثل دیگر سازمانهای همجنس گرایان در کشورهای غربی و دموکراتیک، فعالیت متداول سیاسی می‌کردیم. مثلا با احزاب سیاسی ارتباط می‌گرفتیم، نمایندگان وارد سیستم قانون گذاری کشور می‌کردیم و فعالیتهایی از این قبیل. اما دولت ایران راه را بر برقراری هرگونه دیالوگ بسته است. دولت ایران کوچکترین حقوقی برای همجنس گرایان قائل نیست و این حق را به مطبوعات و رسانه‌های جمعی نیز نمی‌دهد که

آدرس پستی

PO Box 42300
London N12
0WY
UK

به ما کمک مالی کنید

Lloyds Bank
Account:
0972959
Sort code: 30-
99-86
369Green Lanes
Palmers Green
London N13
4JH
UK

ناموس پرستی اسلامی جنایت دیگری خلق کرد!



فاجعه باور نکردنی است. بر اساس گزارشات رسیده از مریوان زن جوانی به نام امیره دادگستر به دست خانواده اش پس از آنکه توسط شخصی مورد تجاوز قرار گرفته است، به قتل رسیده است. این زن جوان ابتدا به وسیله عده ای ربوده شده و بعد از چند روز به منزل خواهرش برگردانده می شود. پس از اینکه خانواده این زن متوجه میشوند که او در زمان غیبتش مورد تجاوز قرار گرفته است، او را در دفاع از "ناموس اسلامی" خود به قتل می‌رسانند. زنان قربانیان ناموس پرستی کتیف اسلامی هستند. اما مسبب چنین شرایطی رژیم اسلامی و فرهنگ و ضد انسانی اسلامی در جامعه است. قتل و جنایت "ناموسی" ادامه و همزاد اعدام و سنگسار و جنایت سازمان یافته و سیستماتیک دولتی در جمهوری اسلامی است. مسیبین چنین جنایاتی باید در کنار بانیان و سردمداران چنین سیستمی مجازات شوند.

اما این فقط گوشه ای از جنایاتی است که در جامعه بر علیه زنان اعمال میشود. فقط طی سال گذشته بیش از ۲۰ زن در شهر مریوان به قتل رسیده اند. آمار حکایت از این دارد که فقط در شهر مریوان هر ماه یک زن دست به خود سوزی می زند. چندی پیش نیز دختر ۱۸ ساله ای در شهر مراغه خود را در مقابل چشم خانواده به دار میکشد. این دختر جوان پس از ضرب و شتم و تهدید توسط پدرش به دلیل "حفظ آبروی خانواده" خود را بوسیله چادرش از لوله گاز حیاط خانه حلق آویز میکند. اساس آمار سازمان ملل متحد سالانه حدود ۵ هزار زن و دختر جوان به

به نام "ناموس"، و "حیثیت" کشته می‌شوند. اما آمار واقعی قطعاً رقمی بالاتر از این میزان است؛ چرا که در بسیاری از موارد شکایتی صورت نمی پذیرد و یا خانواده‌های قربانیان به دروغ این جنایات را با عناوینی همچون "خودسوزی"، "خودکشی"، "تصادف" و یا "ناپدید شدن" گزارش می‌دهند. اما رژیم اسلامی و فرهنگ و سنت حاکم مقرر اصلی چنین جنایاتی در جامعه است. طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، پدر یا جد پدری در صورت کشتن فرزند از تخفیف ویژه در مجازات کمتری برخوردار هستند. ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مردان را در صورت مواجهه با خیانت همسر مجاز به قتل وی می‌داند. حتی مطالعات انجام شده در زمینه جنایت "همسرکشی" در ۱۵ استان کشور نشان می‌دهد که چنین قانونی عملاً موجز و محرکی برای قتل همسران در موارد بسیاری بوده است. تحقیقات نشان می‌دهند که مجرمین در اکثر مواقع مردان فامیل از جمله پدر، برادر و یا شوهر هستند و قربانیان اغلب جوانان زیر ۱۸ سال را در بر می‌گیرد که حتی در برخی موارد "داوطلبانه" دست به این جنایات می‌زنند که تخفیف مجازات شامل حالشان شود. مردم آزادیخواه، زنان و

مردان برابری طلب، در بغل گوش شما حوادثی رخ میدهد که اتفاقی نیست، تصادفی نیست. "ناموس پرستی" یک سنت کتیف و ضد انسانی است. هیچ انسانی کالا و مایملک انسان دیگری نیست. هیچ انسانی حاکم بر جسم و بدن انسان دیگری نیست. زنان و دختران در مایملک مردان خانواده نیستند. رژیم جمهوری اسلامی و سنت زن ستیز اسلامی حاکم مسبب گسترش چون آمیز چنین جنایاتی در جامعه است. زمانیکه دولت اسلامی حاکم، زنان را بخاطر زن بودن، بخاطر عشق ورزیدن و دوست داشتن مجازات و سنگسار و اعدام میکنند، مردان "ناموس پرست" نیز به خود جرأت میدهند که چنین جنایاتی را در حق زنان و دختران تحت حمایت قانون اسلامی اعمال کنند. این اعمال ضد انسانی تحت نام دفاع از "ناموس خانواده" به دلیل وجود آپارتاید جنسی حاکم بر جامعه مردسالار صورت می پذیرد و یکی از اشکال کره ستم بر زن است. برای از بین بردن چنین جنایاتی باید دست به ریشه برد. باید رژیم اسلامی حاکم را بزیر کشید. باید فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه را به همراه رژیم اسلامی حاکم سرنگون کرد. سازمان آزادی زن شما را فرا می‌خواند: تا دیوار این آپارتاید را در هم بشکنیم. باید برابری زن و مرد را به پایه ای ترین حقوق انسانی در جامعه تبدیل کنیم. برقراری آزادی و برابری کامل بین زن و مرد تنها راه نجات ۷۰ میلیون انسان برای رسیدن به یک زندگی سعادت‌مند است.

گفتگوی پروین کابلی با شاهرخ رئیسی...

از صفحه ۲

اهداف سازمان قابل تغییر می‌باشد. میشه کمی بشتر توضیح بدهید؟ منظورتان چه شرایطی است؟

شاهرخ رئیسی: منظورمان به مقتضای ضروریات زمانی ایجاد برخی تغییرات در برخی اهداف سازمان است. هدف اصلی سازمان ما دفاع از حقوق و پرداختن به مسائل اقلیتهای جنسی است. حال بر حسب ضروریات ممکن است که زمانی به این نتیجه برسیم که می‌بایست مثلاً برای رسیدن به این هدف اصلی که داریم، لازم است اهداف جدیدتری به موارد قبلی بیفزاییم و یا اهداف قبلی را قدری تغییر داده و یا وسعت بخشیم. منظور از این عبارت این است.

۲- حمایت و پشتیبانی از جریانهای سیاسی که منجر به ایجاد فضای دموکراتیک در ایران می‌شوند

۳- حمایت از جنبشهایی که منجر به جدایی دین از سیاست و ایجاد فضای دموکراتیک در داخل کشور شوند و ایستادن در کنار دیگر مبارزان در جبهه مبارزه علیه استبداد (البته با هوشیاری و چشم‌انداز)

۴- همکاری با نهادهای بین‌المللی دفاع از حقوق بشر و انعکاس ظلمها و ستمهای وارد بر همجنس گرایان ایرانی برای جهانیان و سازمانهای بین‌المللی به هدف وارد ساختن فشار سیاسی در سطح بین‌المللی به رژیم ایران

پروین کابلی: در تبصره ۲ اهدافتان می‌گویند باتوجه به شرایط و نیازها،

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایانتان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

مرگ بر ناموس پرستی
زنده باد آزادی و برابری
زنده باد آزادی بی قید و شرط زن در جامعه

سازمان آزادی زن
۲۹ اوت ۲۰۰۶
www.azadizan.com



از سایت آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.com

مرگ بر آپارتاید جنسی!
از کمپین لغو منع ورود زنان به استادیومهای
ورزشی دفاع کنید!

مبارزه برای لغو آپارتاید جنسی یک رکن پایه ای و مهم مبارزه برای لغو ستم بر زنان و آزادی جامعه از اسارت سیاست ارتجاعی جداسازی جنسی انسانها در جامعه است. این مبارزه قدمتی به عمر رژیم کتیف جمهوری اسلامی دارد. آپارتاید جنسی سیاستی کتیف و ضد انسانی است. دیواری از زندانی است که رژیم اسلامی علیه زنان در جامعه ایجاد کرده است. این سیاست زشت و ضد انسانی مشابه سیاست آپارتاید نژادی است که در دوره ای زندگی مردم آفریقای جنوبی را به تباهی کشانده بود.

لغو آپارتاید جنسی در تمامی عرصه های زندگی، چه در محیط کار، چه در محیط های آموزشی و دانشگاهی، و چه در اماکن تردد اجتماعی، یک محور مبارزه زنان و مردان آزادیخواه است. تلاش برای درهم شکستن آپارتاید جنسی در هر اعتراض برابری طلبانه از اولین اقداماتی است که شاهد آن هستیم. یکی از جلوه های اخیر مبارزه علیه آپارتاید جنسی تلاش زنان برای لغو ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاهها و استادیومهای ورزشی است. این حرکت اعتراضی در جامعه امروز ابعاد گسترده ای یافته است. کمپین "دفاع از حق ورود زنان به ورزشگاه" یکی از خواستههای جنبش آزادی زن در جهت رفع تبعیض جنسی است.

سازمان آزادی زن ضمن پشتیبانی از خواست شرکت بدون قید و شرط زنان در ورزشگاهها از تمامی زنان و مردان آزادیخواه میخواند که از این خواست بر حق علیه آپارتاید جنسی دفاع کنند.

سیاست آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی در هم شکسته شد. سیاست آپارتاید جنسی در ایران و جوامع اسلام زده هم باید در هم شکسته شود. سازمان آزادی زن خواهان محکومیت و اخراج رژیم اسلامی از تمامی مجامع بین المللی به علت اعمال سیاست کتیف آپارتاید جنسی در جامعه است.

زنده باد آزادی بی قید و شرط زن
زنده باد آزادی و برابری زن و مرد

۲۵ اوت ۲۰۰۶
سازمان آزادی زن
www.azadizan.com

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سردبیر نشریه
پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 02

دستیاران سردبیر
نیاز قانیدی **اسماعیل اوجی**



سومین کنفرانس سالانه

سازمان آزادی زن!

آزادی زن آزادی جامعه است!

سخنرانان :

آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن: جنبش آزادی زن در ایران، مبارزه با اسلام سیاسی، چشم انداز آزادی در خاورمیانه
اصغر کریمی، رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران
پروین کابلی، عضو شورای مرکزی سازمان آزادی زن: جنبش 8 مارس، دریچه ای برای آزادی زن در ایران

مریم کوشا، سردبیر نشریه انگلیسی آزادی زن: فعالیتهای سازمان آزادی زن در خارج و تاثیر آن بر جنبش برابری طلب در ایران

شهلا نوری، عضو شورای مرکزی سازمان آزادی زن: ایذر بیماری پنهان زنان در ایران

مهین علیور، عضو شورای مرکزی سازمان آزادی زن: مبارزه ما، جنبشی برای انسان

اسماعیل مولودی، از فعالین سازمان آزادی زن: بازار کار در ایران و موقعیت زنان

علی جوادی، عضو شورای مرکزی سازمان آزادی زن: موانع سازماندهی زنان در ایران

زمان : 2 سپتامبر 2006 ساعت شروع کنفرانس 13 بعدازظهر

مکان : گوتنبرگ سوئد

سالن : Wieselgrensplatsen بالای Coop forum واقع در Wieselgrensplatsen، هیسنگن

شرکت در این کنفرانس برای همگان آزاد است.

برای اطلاعات بیشتر می توانید با پروین کابلی دبیر اجرایی سازمان آزادی زن با شماره تلفن 0046707744020 یا آدرس ای مایل parvinkaboli@yahoo.se تماس بگیرید.

سازمان آزادی زن 20 اگوست 2006

<http://azadizan.com>

دسته جمعی به خاوران بروید. خاوران را گلباران کنید. یادشان را گرمی بدارید.

عزیزان خفته در این گورها اولین نسلی بود که به رژیم اسلامی "نه" گفتند. نباید اجازه دهیم این جنایت عظیم رژیم اسلامی به فراموشی سپرده شود.

زنده باد آزادی و برابری سازمان آزادی زن
۲۲ اگوست ۲۰۰۶

از صفحه ۱

گلهای سرخ باغچه را ...

نمی دانند، خاوران کیست؟ چیست و یا کجاست؟ سازمان آزادی زن از شما مردم آزادیخواه و مترقی و شما مادران و پدرانی که طعم تلخ از دست دادن فرزندان خود را به هر دلیلی چشیده اید، از تمامی کسانی که خواهان بزرگداشت یاد این عزیزان هستند، میخواهد که در تاریخ ۱۰ شهریور

حضور آنها در خاوران و با گلهای سرخ و سرود انترناسیونال جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کرد. خاوران یک مکان تاریخی است که جهانیان باید از وجودش باخبر شوند. بعد از گذشت دو دهه از قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۰ و ۶۷ هنوز هستند مردمی که حتی